

از ترکیب عقل و جنون

احمد رضا دالوند

متن حاضر یادداشتی است از کتاب «سیاه، سفید». این کتاب مجموعه‌ای از یادداشت‌های دالوند است بر آثار نه نقاش معاصر ایرانی که در برنامه‌ی نمایشگاه‌های ادواری «نگارخانه‌ی لاله» به نمایش آثارشان پرداخته‌اند. انتشارات سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران کتاب «سیاه، سفید» را منتشر کرده است.

● در زمانه‌ای که انسان‌ها به علت برخورداری از قابلیت‌های متعدد ارتباطی، رسانه‌ای و فرهنگی، در قیاس با گذشته به فهم متفاوتی از واقعیت دست یافته‌اند، مفهوم واقعیت و واقعیت‌گرایی در هنر با آن‌چه که تاکنون می‌پنداشته‌اند، متفاوت شده است.

در چنین زمانه‌ای انسان‌ها با بهره‌مندی از اینترنت به تماشای لحظه‌ها و پدیده‌هایی می‌روند که در گذشته نزدیک، حتا به خواب هم نمی‌دیدند و اوضاع به گونه‌ای شده است که چشم‌اندازهای الکترونیکی و امواج انفورماتیکی، جهان را به مجموعه‌ای آشنا و به طرز بی‌سابقه‌ای به هم پیوسته، تبدیل کرده است. با گسترش قابلیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی، هر چیز و هر پدیده‌ای، دم به دم به جریان «راز زدایی» و «رمز گشایی» می‌پیوندد.

درست در چنین شرایطی، حسین ماهر انسانی را در چارچوب آثارش نقش می‌زند و بر او نوری افسانه‌ای می‌تاباند و ما را در حیرتی شریک می‌کند که گویی در پشت همه امکانات نوین تصویری و ارتباطی، از نظرها پنهان مانده است.

حسین ماهر، کمتر از واقعیت‌های روزمره و بیشتر از اندیشه‌ها، باورها و تخیلات خود بارور می‌شود و در این مسیر، هرچه هنرمندانه‌تر عمل می‌کند، گویی چیزهای بیشتری به جهان اضافه می‌کند، به جهانی که تنها با عبور از صافی ذهن او به هبائی در می‌آید که پس از انتقال بر پرده، همچون پدیده‌هایی بدیع بر ما آشکار می‌شوند.

نکته مهم در آثار حسین ماهر، استفاده مکرر او از شمایل انسانی و ساختار فیگوراتیو است، در دوره‌هایی شمایل‌های او سرشار از نوعی حس فولکلوریک و عشق به سرزمین ما بودند. ماهر، چه در آثاری که با پس زمینه‌های بومی و سرزمینی ساخته و چه در فرشتگانی که با تار و بود محبت بر پرده نقش کرده است، همواره نقاشی بوده که با دقت در مؤلفه‌های آثارش تعریفی مدرن از رئالیسمی که در زمانه هر دم متغیر و پیچیده امروزی امکان بروز پیدا می‌کند، به دست می‌دهد. رئالیسم گسترده و نوبنی که نه با دوربین عکاسی در چالش است و نه به سایر امکانات تولید تصویر کاری دارد.

او سخت متأثر از نخستین جلوه‌های فرهنگی انسان است. گاهی به نظر می‌رسد که میلی ناشناخته او را می‌دارد تا همه آن‌چه را که بر پرده مجسم ساخته است بار دیگر محو کند و از میان بردارد.

اگر او چیزی را ترسیم می‌کند که شباهتی به یک پدیده آشنا دارد، شاید از سر ناگزیری است، چرا که در پس آثار ماهر یک میل وحشیانه به بیان ناب و غیر فیگوراتیو در انقیاد واقعیات سخیف، و محدود کننده، آشکار و پنهان می‌شود.

گویی تاریخ، تمدن، صنعت و عادت‌های زمین‌گیر آدم‌های گرفتار در میان دست ساخته‌های خود، آفاق ماقبل تاریخی ذهن حسین ماهر را محدود می‌کنند و او را می‌دارند تا با علامت‌ها و نشانه‌هایی افکار خود را مرئی سازد که با معیارهای کوچک چشم‌هایی که او را می‌نگرند قابل ترجمه و تفسیر باشد. ذهن او انباشته از تصاویر ناشناخته و مبهمی است که تنها با نقاشی کردن از لایه‌های ابهام خارج شده و به سطوحی از آگاهی نزدیک می‌شوند.

شاید به همین دلیل باشد که ارمان‌ها او به جهان، آمیزه‌ای است از اسطوره، فولکلور و فرهنگ، که در ساختاری نقاشانه عرضه می‌شود.

کار حسین ماهر بسا نوعی خودانگیخته‌گی به ملاحظت و بدعت نزدیک می‌شود. خودانگیخته‌گی این نقاش، اما فرآیندی دیالکتیکی دارد:

- ۱) برای گام‌هایی که برمی‌دارد برنامه از پیش تدوین شده دارد.
 - ۲) در مسیر حرکتش به وجد و شیدایی و بی‌خوابی گرفتار می‌آید.
- از ترکیب عقل و جنون است که نقاشی‌های حسین ماهر تشخیص می‌یابند.

مدرنیته پیرامونی در ساخت نقاشی امروز

علی اصغر قره باغی

● حسین ماهر در نقاشیهای پیشین خود به تأثیر از انگیزه‌ها و اندیشه‌های بومی و اقلیمی نقاشی میکرد. پیوند ناگسستنی او با مردم زادگاهش و شیفتگی بیحد و حصر نسبت به زندگی بیپیرایه‌ی انسانهای فروتنی که پیچیده در باورهای کهن، در سواحل خلیج فارس زندگی میکنند، او را بر آن میداشت که به طراحی و نقاشی مضمونهای برگرفته از زندگی دور و بر خود بپردازد. اما خود را بیخود و بیجهت در این گمان انداخته بود که تنها راه تصویر کردن مردم، وفاداری به میثاقهای آکادمیک است.

با هر تجربه و اجراء، بینش و نگرش او هم دگرگون میشد. بیان واقع‌گرایانه و آکادمیک را همساز با ضربه‌نگاری زندگی و نور خورشید و رنگهای تند و تابناک جنوب نمییافت، نقاشیهایش نمودی تکساحتی داشت و نیاز به زبانی تازه و نو آیین برای بیان تصویری خود را بیشتر و بیشتر احساس میکرد، شیوه‌های گوناگون را آزمود. آثار نگارگری و نسخههای چاپی هنر مانویان و شیوه‌های کهن گذشتگان، به‌ویژه نحوه‌ی بهره‌گیری آنان از رنگ را محک دوباره زد و سرانجام به شکلی از نقاشی دست یافت که آن را پاسخگوی نیاز تجسمی خود میدانست. او گامی فراسوی نقاشی فولکلوریک برداشته بود. اما هنوز پا در بند قومیت و بومی‌گرایی داشت. با این زبان تازه، مردمی را که دل بسته آنان بود به تصویر میکشید و زندگی شبانان و سوگ و سرور آنان مضمونهای نقاشی او را فراهم می‌آورد. انسانهایی را تصویر میکرد که انگار به سوی فراموشی ابدی رانده شده‌اند و معنای خود را از زمینی نمیگیرند که بر آن نشسته یا ایستاده‌اند. ماهر، تنها در اندیشه‌ی آن نبود که تصویرگر شکلی از زندگی باشد، دلنگران هنر و نقاشی هم بود و همین نگرانی سرانجام او را به فاصله گرفتن از آنچه با آن انس و الفت یافته بود، کشاند. این دوری گرفتن کار آسانی نبود. چرا که هرگز در چشماندازهایی که نقاشی میکرد، از بیرون نگاه نمیکرد و همیشه خود را در آنها و در کنار فیگورهایی که میکشید احساس کرده است. اما سرانجام وسوسه‌ی هنر بر قومیت و تبار باوری و نژاد پرستی تجسمی سیطره یافت و به کنار نهادن عناصر حساسیت آفرین و میثاقهای خشک و آیینی که الهامبخش او بود، انجامید.

ماهر با این رویکرد تازه به نقاشی خود، بعدی همگانتیر داد و در کارهای تازه‌ای که در نگارخانه آریا به تماشا گذاشته، نشانه‌های رهاشدگی از سنتهای بازدارنده چهره‌های آشکار دارد. بومی‌گرایی جای خود را به برداشتهایی تازه و امروزیتر از انگیزه‌های اقلیمی بخشیده است و گامی است در جست و جوی ظرفیتهای شکلی و محتوایی تازه.

او زبان تکبندی و تکخطی قدیم را رها کرده است و با نگاهی برآمده از آگاهیهای پیچیده و تودرتو، میخواهد اشکال ذهنی و عینی تازه‌ای را به ساحت نقاش خود راه دهد و به تصویر کشد. اما هنوز انسانهایی را تصویر میکند که هر حرکت و نشست و برخاست آنان شکلی آئینی دارد. با این شگرد «دگر بودن» او چنان بیان میکند که در گفتمان گسترده‌تر، هنر مدرن هم گنجانده شود.

این همان کیفیتی است که پیست مدرنیسم آن را «افق آرزوها» مینامد. ماهر در نقاشی‌های تازه‌ی خود با آن که نگاه خود را به تمامی از گذشته برنگرفته و حتا وجوهی از بینش اساطیری را حفظ کرده است، رو به آینده هم دارد و نشان میدهد که مدرنیته‌ی پیرامونی محصول یک فرایند محلی نیست بلکه ثمره‌ی وسوسه‌های هنری است.

بخشی از یک مقاله که در خرداد ماه سال ۱۳۷۸ به مناسبت برگزاری نمایشگاه محمدحسین ماهر در نگارخانه آریا نوشته شد.